

انترناسیونال هفتگی

بنیانگذار: منصور حکمت

حزب کمونیست کارگری ایران

سردبیر: فاتح بهرامی

haftegi@yahoo.com

Fax: 0044-870 120 7768

۱۲۲

۱۵ شهریور ۱۳۸۱

۶ سپتامبر ۲۰۰۲

جمعه ها منتشر میشود

www.haftegi.com

دنيا

بدون فراخوان سوسیالیسم،

بدون امید سوسیالیسم،

و بدون "خطر" سوسیالیسم

به چه منجلابی بلبل میشود!

منصور حکمت

دفتر مرکزی حزب

Tel: 0044-795-051-7465

Fax: 0044-870-135-1338

markazi@ukonline.co.uk

رادیو انترناسیونال

۳۱ متر - ۹۹۴۰ کیلو هرتز

۹ تا ۹:۴۵ شب بوقت تهران

به دیگران اطلاع بدهید

radio7520@yahoo.com

تلفن 0044 7714611099

اطلاعات و پیامگیر رادیو:

0044 208 962 2707

در سالروز ۱۱ سپتامبر

پایان دادن به تروریسم کماکان امر جهان متمدن است!

یکسال از جنایت هولناک اسلاميون در نیویورک گذشت و دنیا همچنان میدان تاخت و تاز دو اردوی اصلی ارتجاع و تروریسم بین المللی است. در یکسو عظیم ترین ماشین تروریسم دولتی و ارباب و باج خوری بین المللی، متشکل از هیئت حاکمه آمریکا، ناتو و ائتلاف دولتهای غربی، بورژوازی و دولت اسرائیل، و در سوی دیگر تروریسم اسلامی و جنبش ارتجاعی و کثیف اسلام سیاسی. هر دو سوی این ارتجاع و تروریسم زندگی مردم را در چهار گوشه جهان به گرو گرفته اند. دولت آمریکا و جینگوستهای کاخ سفید و متحدانش همچنان بر طبل جنگ و کشتار میکوبند، و تروریسم

صفحه ۳

انترناسیونال هفتگی ضمیمه شماره ۱۲۲
ویژه ۱۱ سپتامبر منتشر شد

خاوران محل تجمع مردم و ادای احترام
به یاد جانبختگان سال ۶۷

صفحه ۴

استراتژی

کش دادن وضع موجود

مصطفی صابر

اعزام نماینده جدید ایران در سازمان ملل (نیویورک) با اذن "لایبی کردن" و یا در واقع تماس گرفتن با جناح های مختلف هیات حاکمه آمریکا و سخنان دیروز (پنجشنبه ۱۴ شهریور) رفسنجانی که تلویحا به آمریکا پیشنهاد همکاری در قبال "تحولات غرب ایران" میداد، از شاخص های برجسته اینگونه تلاش هاست. ۲- مهار دعوی جناح ها: مصاحبه مطبوعاتی اخیر خاتمی، تقاضا برای اختیارات بیشتر و ارائه لایحه ای برای محدود کردن اختیارات شورای نگهبان در رد صلاحیت کاندیداهای جناح مخالف، که ظاهرا موافقت خامنه ای را نیز پشت سر خود دارد، تلاش دیگری جهت ایجاد نوعی "خط وفات" بین سران و گرایشات غیر افراطی "هر دو جناح است. (سخنان پریروز کروی در مجلس نیز که اشاره



به "قول و قرارها" برای آرام برگزار کردن محاکمه آغازی میکرد، احتمالاً وجه دیگری از توافقات سران جمهوری اسلامی بمنظور تخفیف و کنترل دعوای جناحی است) ۳- حمله به اپوزیسیون سرنگونی طلب: اخیرا یونسی وزیر اطلاعات و همچنین صفوی فرمانده سپاه، مکرر از این دم میزنند که "کمونیستها و سلطنت طلبان" هیچ نیستند و رژیم امور را کاملا زیر نظر دارد، یا اینکه اپوزیسیون سرنگونی طلب "مرده است و غیره.

صفحه ۲



برگزاری مراسمهای
بزرگداشت منصور حکمت

صفحه ۴

سایت

"بنیاد منصور حکمت"

با سرپرستی و مسئولیت خسرو داور
آغاز به کار کرد

http://www.m-hekmat.com

اظهارات خاتمی،

تلاش برای
رام کردن
سرکش های
دوخرداد

صفحه ۲

بازی جدید
جمهوری اسلامی

صفحه ۳

نامه اعتراضی

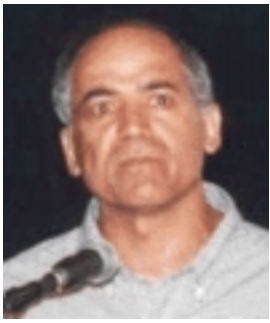
به بی بی سی

صفحه ۴

آزادی، برابری، حکومت کارگری!

اظهارات خاتمی، تلاش برای رام کردن سرکش های دوخرداد

اصغر گرمی



انتقاد قرار داد و نتیجتا بحث بی پشتوانه و غیر جدی خروج از حاکمیت جای خود را به قانون بازی در مجلس و بعد شورای نگهبان و مجمع تشخیص مصلحت داد. کل این طرح اگر به تصویب برسد، که تندروهای جناح راست از همین الان میگویند شورای نگهبان آژار در میکند، قرار است چند سانتیمتر اختیارات مجلس و خاتمی را افزایش دهد. اصلاح طلبان فعلا سیلی نقد را در مقابل حلوی نسیه افزایش اختیارات دریافت کرده اند.

واقعیت این است که نه مشکل اختیارات خاتمی بوده است، و نه گسترش ناچیز اختیارات مجلس، سر سوزنی مشکلات جمهوری اسلامی را کاهش میدهد. این طرح برای متوهم کردن و در انتظار نگهداشتن مردم هم نیست، جمهوری اسلامی فاقد چنین موقعیتی است. برای ایجاد آرامش در صفوف دو خرداد است اما حتی صفوف دو خرداد را هم حداکثر چند هفته بیشتر تحت تاثیر قرار نخواهد داد. برد اینگونه چاره اندیشی ها در موقعیت کنونی بسیار کوتاه مدت است. یکی از اعضای فراکسیون دو خرداد مجلس گفته است که دیگر دیر است و نفر دیگرشان گفته است که اظهار نظر خاتمی برای پاسخ به آیتدگان است که بتواند ادعا کند که همه زور خود را زده است و سومی تهدید کرده است که اگر شورای نگهبان به خاتمی جواب رد بدهد خاتمی استعفا خواهد داد. و جالب این است که از سران حکومت اسلامی و از بدنه آنها نیز همه میدانند که این طرحها مشکل چندانى را از پیش پای آنها برنخواهد داشت. این دیگر به موقعیت وخیم حکومت اسلامی مربوط میشود که امکان طرحهای درازمدت و میان مدت را ندارد. حتی اگر بتوانند تشنجات درون حکومت را چند هفته و چند روز هم عقب بیندازند کلاه خود را باید به هوا پرت کنند.

جمهوری اسلامی فاقد برنامه اقتصادی برای کاهش بحران فزاینده است. از نظر سیاسی مشکلات جمهوری اسلامی عمیق تر از آن است که با اصلاحاتی ناچیز در زمینه تغییر دامنه اختیارات رئیس جمهور چاره شود. از نظر فرهنگی و اجتماعی نیز ملتهبا است به شکست خود اعتراف کرده اند و در زمینه بین المللی دیگر همه موقعیت شکننده حکومت اسلامی را میدانند و در بهترین حالت این تشبثات را مسکن بسیار موقت بحساب میآورند. دامنه اعتراض مردم نیز هر روز ابعادش گسترده تر میشود و روحیه اعتراضی ملام درحال بالا رفتن است. همه طرحها و نقشه ها و تدابیر رهبران حکومت

اظهارات تازه خاتمی در مورد لایحه افزایش اختیارات ریاست جمهوری و اصلاح قانون انتخابات، حتی ظاهر مردم پسندانه ای هم برای ایجاد توهم و انتظار در میان مردم ندارد. دوخرداد مدتها است که پایه اجتماعی اش را از دست داده است و از شعارهای توخالی جامعه مدنی و اصلاحات و حتی آزادی مطبوعات برای خودپهپاشان هم چیزی نمیکوید. نظرات خاتمی، که با اجازه رهبر آژار مطرح میکرد، مستقیما به منظور رام کردن بخشهای سرکش دو خرداد طراحی شده است.

در ماههای گذشته تنش در نیروهای حاکمیت به اوج خود رسیده بود. اظهارات آعاجری، نامه افشاگرانه طاهری، رشادت های مجاهدین انقلاب اسلامی و سرانجام بحث حاد و کشدار خروج از حاکمیت توسط بخشهای افراطی دوخرداد بی ثباتی حکومت اسلامی را برای هفته ها در انتظار عمومی گرفته بود. کشدار شدن این تشنجات بر متن آتشفشانی که هر دم آماده انفجار است، بالقوه وضعیت خطرناکی را برای حکومت اسلامی ایجاد کرده بود. تهدید مردم که بکرات انجام شده بود نیز کوچکترین تأثیری بجا نگذاشته بود، پاترولها و دستگیرها و شاق زدن و تهدید به اعدامها هیچکدام در روحیه مردم خللی ایجاد نکرده بود.

بحث وضعیت فوق العاده از جانب راست طرح شد اما موقعیت جمهوری اسلامی بحرانی تر و ضعیف تر از آن بود که این اقدام نیز در شرایط کنونی جدی گرفته شود. اما تشنجات درون حکومت باید کنترل میشد و کاهش داده میشد. سران حکومت، بخشهای ظاهرا "عاقلتر" آن، باید راه چاره ای میانیدیشیدند. اگر تهدید کارساز نبود، یعنی جناح راست فاقد توان کنترل اوضاع است، پس باید کسی از دو خرداد ابتکار را بدست میگرفت. کسی که قبل از هر چیزی بتواند محافل تندرو دو خرداد را کنترل کند، بحث خروج از حاکمیت را از میدان بیرون کند، و یاس و ناامیدی در صفوف دو خرداد را موقتا کاهش دهد و روح امیدی در میان آنها بدمد. اینکار فقط از عهده خاتمی برمیآید، بشرطی که رهبر در مقابل آن نایستد. توافقات میان خامنه ای و خاتمی راه را برای جلو آمدن خاتمی باز کرد. خاتمی با طرح افزایش اختیارات رئیس جمهور و اصلاح قانون انتخابات، بلافاصله در مقابل تندروهای جناح خود قرار گرفت و بحث خروج از حاکمیت را مورد

است که جمهوری اسلامی روی آن حساب باز کرده است.

در این مورد دست حضرت عباس هم پشت و پناه رژیم اسلامی است. تنها جمهوری اسلامی نیست که در کش دادن وضع موجود ذینفع است. آن بخش از اپوزیسیون سرنگونی طلب (مثلا رژیم سابقى ها و سلطنت طلبان) که از ارگانهای مستقل مردم، از تسلیح و قیام مردم علیه جمهوری اسلامی و تصرف قدرت توسط قیام کنندگان (که چیزی جز حکومت شوراها و ارگانهای منتخب بلافصل مردم نیست) بعنوان "دیکتاتوری"، "خشونت" و "هرج و مرج" سخن میگویند، به سهم خود در کش دادن به وضع موجود میکوشند. اینها نه در سابقه خود از خشونت و کشت و کشتار و زندان چیزی کم آورده اند و نه از دیکتاتوری. همین حالا هم اگر بتوانند با یک کودتا جمهوری اسلامی را سرنگون کنند و قدرت را بدست گیرند، درنگ نخواهند کرد. در ضمن نگرانی چندانى ندارند که اگر مردم بخاطر کش پیدا کردن وضع موجود خسته بشوند و مهیای پذیرش یک دیکتاتوری بشوند. دیکتاتوری و استبدادی دیگر، نظیر ترکیه و یا مصر، تمام برنامه اثباتی اینهاست. وقتی همه که مردم قدرت را بدست بگیرند همین ها بیشترین منبع ایجاد هرج و مرج خواهند بود. کسانی که مردم را به انتظار برای دخالت آمریکا دعوت میکنند، آنها که میخواهند جمهوری اسلامی را با "فراندم" عوض کنند، در واقع دارند ترس و نفرت خود از سرنگونی انقلابی جمهوری اسلامی و از طریق اقدام مستقیم مردم را به نمایش میگذارند و عملا در خدمت استراتژی کش دادن وضع موجود قرار میگیرند.

کش پیدا کردن وضع موجود و یا در انتظار فروپاشی نشستن، به نفع مردم نیست. اولاً به این هیولای جمهوری اسلامی فرجه ای برای دست و پا زدن و له کردن هرچه بیشتر زندگی و حقوق مردم را میدهد. ثانیاً معلوم نیست اگر جمهوری اسلامی فروپاشد، اوضاع بعد از فروپاشی به نفع مردم پیش برود. نباید منتظر فروپاشی جمهوری اسلامی نشست. باید برای سرنگونی و قیام توده ای علیه آن تارک کشید. نباید اجازه داد وضع موجود کش پیدا کند. باید مبارزه علیه رژیم را گسترش داد، باید شوراها و تشکلهای کارگری، زنان، کارمندان، دانشجویان و دانش آموزان را برپا کرد. باید جمهوری اسلامی را به قدرت مستقیم خود مردم سرنگون کرد و به جای آن حکومت شورایی و بلافصل مردم قیام کنند را برقرار کرد. این تنها تضمین سرنگونی کم دردمر، سریع و قطعی جمهوری اسلامی و ایجاد یک دنیای بهتر است. حزب کمونیست کارگری مصممانه برای چنین تحولی مبارزه میکند. به حزب پیوندید. ■

از صفحه ۱

استراتژی کش دادن ...

احتیاج به توضیح نیست که عادی کردن رابطه با آمریکا برای جمهوری اسلامی حکم "داروی نظافت" دارد. این صد و یکمین بار است که صحبت از "وفاق" در بین جناح ها میشود. همبسطور رجزخوانی برای اپوزیسیون سرنگونی طلب خود بیش از هر چیز ناشی از وحشت رژیم اسلامی و نفوذ روزافزون سرنگونی خواهی است. با اینهمه این تلاشهای جمهوری اسلامی بر یک ارزیابی از اوضاع حاضر سوار است. واقعیت اینست که با بحران عمیق اقتصادی، فرهنگی، سیاسی، حکومتی و دیپلماتیکی که جمهوری اسلامی با آن روبروست، یک روز ادامه وضع موجود خود یک موفقیت برای رژیم است. تنها شانسى که جمهوری اسلامی میتواند به آن امیدوار باشد (حال چقدر واقعی است یا نه موضوع دیگری است). این است که وضع موجود را آقدر کش بدهد تا بالاخره مردم خسته شوند و از نفس بیفتند. از این سر اگر بنگریم، مهم نیست که تلاشها و ترفی های یکی دو هفته اخیر چقدر تا نفسه به جایی برسد، مهم اینست که میتواند وقتی برای جمهوری اسلامی بخرد. بالاخره رژیم هر طور هست باید صورت خود را با سیلی سرخ نگهدارد؛ که با آمریکا آقدر ها هم اوضاع شکرآب نیست، برای آقای خاتمی هم یک کمی ناپرهیزی تجویز شده است که از افزایش اختیارات و حتی از رفتن سخن بگوید، کمیونستها و سایر سرنگونی طلبان ها هم که زیر کنترل کامل قرار دارند و کاری از دستشان بر نمی آید. پس مردم فعلا وضع بصورت سابق ادامه خواهد داشت!

جمهوری اسلامی بر تنها نقطه قوت خود، که در واقع نقطه ضعف مردم است، دست میگنارد. این واقعیت که مردم، یعنی کارگران، زنان و جوانان و همه آزادیخواهان از قدرت سازمانی، سیاسی و نظامی، از یک رهبری سراسری، رادیکال و قاطع برخوردار نیستند و نمی توانند این رژیم را سرنگون کنند. اعتراضات صورت میگیرد و حتی وسیع است، اما از چنان قدرتی برخوردار نمی شود که کار را به سرنگونی جمهوری اسلامی و تعیین تکلیف قدرت سیاسی بکشاند. تحولات چند سال اخیر ایران نشان داده است که کافی نیست که رژیم حاکم در روش ها و شیوهایش به بن بست برسد، کافی نیست که مردم دیگر نخواهند به روش سابق زندگی کنند، شرط لازم این است که این مردم ارگانهای اعتراض و اقتدار خود را سازمان بدهند، زیر یک پرچم رادیکال و انقلابی متحد شوند و رژیم حاکم را سرنگون کنند. در غیر اینصورت ادامه وضع فعلی بصورت کجدار و مریز، دستکم تا مدتی، یک امکان واقعی است. همین مدتی!

اسلامی برای ایجاد نزدیکی و تفاهم در میان خودپهپا حتی یک ماه هم کارساز نبوده است. از این یکی هم انتظار بیشتری ندارند.

محافل افراطی دو جناح

زمانی هنوز به طرحهای ایجاد یک مرکز و یا وفاق امید داشتند و این میتوانست بدست بخش ساتر دو جناح عملی شود. اما این طرحها یکی پس از دیگری شکست خورده است. اوضاع سیاسی متحول تر، جامعه قطعی تر و بحران عمیق تر شده است و راه حلهای رادیکال تر به جلو صحنه رانده شده است. خاتمی به مهره بی خاصیتی برای دوخرداد و به اهرمی نه برای پیشروی که برای کنترل این جنبش تبدیل شده است. و در طرف مقابل خامنه ای لباس بیطرفی را ملتهبا است کنار گذاشته و نقش اصلی در تحولات درون حکومت بدست محافل افراطی دو جناح افتاده است. اینها همه درک کرده اند که دیگر به روش این پنج سال نمیتوان حکومت کرد. اظهارات جدید خاتمی نیز در این میان، حتی اگر به توافق مهمی هم با راست برسند، نقش قابل توجهی «ب» نخواهد داشت. حتی اگر توافقات خامنه ای خاتمی به سرانجام برسد، بازی قانون اساسی بسرعت جای خود را به دعوای میان بخشهای افراطی خواهد داد. مجلس را که تسخیر کردند سر سوزنی موقعیت دو خرداد بهتر نشد، دیگر کسی از صفوف خودشان هم باورش نمیشود که اینبار با تبصره ها و اصلاحاتی وضع دگرگون خواهد شد. مساله این است که تندروهای دو جناح هم از طرح و اجرای هرگونه طرح قابل توجهی ناتوان اند. یا باید حکومت نظامی اعلام کرد و زد و کوبید و مردم را سر جای خود نشانند که انسجام و توانائی بیشتری برای این ریسک لازم است و یا باید کشایشی ایجاد کرد که کسی جریده اش را ندارد. بهترین کار وقت خربین است تا زمان برای یکی از دو راه حل، اساسا راه حل اول، آماده شود.

ابتکار اصلی در دست جنبش اعتراضی است که کل این معاملات و طرحها را بکنار خواهد زد و صحنه را با دگرگون خواهد ساخت. صورت مساله اصلی جناحهای ساتر و افراطی حکومت اسلامی این نیرو است و ترس و وحشت از تلاش برای پیروزی بر طرف مقابل، از اینجا ناشی میشود. ■



بازی جدید جمهوری اسلامی!

حسین مرادیگی

خاتمی در سخنان چند روز اخیر خود از طرح «اصلاح قانون انتخابات» و طرح «افزایش اختیارات رئیس جمهور» صحبت کرده است. مطابق معمول بر سر آن میاهو و جنجالی بویژه از طرف «اصلاح طلبان» درون رژیم راه افتاده است. آنها و رسانه های طرفدارشان میخوانند چنین وانمود کنند که سر تصویب این لوایح کار به کشمکش نهائی بین دو جناح خواهد کشید. اما اینطور نیست. طرح این لوایح بازی جدید جمهوری اسلامی برای عقب انداختن کشمکش جناحی و انسجام درونی بالای جمهوری اسلامی است و مصارف داخلی کوتاه مدتی را تعقیب میکند. علت آنها شتاب تحولاتی است که در یکسال اخیر صورت گرفته و دیگر راه فراری برای «حکومت الهی» باقی نگذاشته است. جمهوری اسلامی با خامنه ای و خاتمی و کلیت آن مستقیماً در برابر توده میلیونی مردم سرنگونی طلب قرار گرفته است.

جناح راست رژیم در اولین تقابل بعد از تشکیل مجلس ششم، جناح دوم خرداد را علیرغم خدمانی که برای بقای آن در داخل و خارج انجام داده بود کنار زد. کل استراتژی دوم خرداد با یک قلم خامنه ای ظرف یک روز دود شد و بهوا رفت. از طرف دیگر تلاش برای پرکردن این خلا و نگاهداشتن بخش بالای دوم خرداد بعنوان ضربه گیر سیاسی «نظام» که حریف هنوز وجود آن را لازم میدید، با ایجاد «کمیته اصلاحات دنبال شد. اما دوم خرداد شکست خورده بود و سران آن علناً به شکست خود اعتراف کرده بودند. کمر راست کردن دوم خرداد دیگر ممکن نبود جز با در افتادن با خامنه ای و این نیز بمعنی سقوط جمهوری اسلامی بود که به مخیله سران دوم خرداد هرگز راه نمی یافت. پس از شکست دوم خرداد، جریان سوم (مردم سرنگونی طلب) فشارش را به

کل رژیم افزایش میدهد و آنان را مجبور میکند که بیشتر علیه همدیگر شاخ و شانه بکشند. اعلام «وضعیت فوق العاده» از جانب جناح راست و تهدید «اصلاح طلبان» به خروج از «حاکمیت» وضعیت زار جمهوری اسلامی را بیشتر عیان کرد. معلوم بود اعلام وضعیت فوق العاده با بیرون انداختن سران «اصلاح طلب» از حاکمیت و دستگیری عده ای از آنان شروع میشد و خروج اصلاح طلبان از حاکمیت نیز اعلام حالت فوق العاده را بدنبال داشت. در هرحال نتیجه هر دو شروع فریاد سرخوردگی و سرنگونی طلب درگیری نهائی مردم سرنگونی طلب منتظر فرصت با جمهوری اسلامی است. سران جمهوری اسلامی برای نجات از این بن بست به بازی «اصلاح قانون انتخابات» و «اختیارات رئیس جمهور»، البته با شعبده بازی مهره سوخته خاتمی، دست زده اند. اما این بازی و بحث انتخابات و مجلس اسلامی زیادی مسخره است. مجلس اسلامی بعنوان قوه مقننه جمهوری اسلامی ملتهاست با نوک قلم خامنه ای در درون خود «نظام» از اعتبار افتاده است. سران اصلاح طلب نیز اعتراف میکنند که مجلس اسلامی بی خاصیت ترین مجلس دنیاست. خامنه ای نه تنها مهربان بر انتخابات فرمایشی جمهوری اسلامی زد، بلکه قانونگذاری را نیز از دستور مجلس اسلامی خارج ساخت. از این مجلس لایحه و قانونی نمیگذرد و اگر هم بگذرد یک ساعت اعتبار ندارد. این مجلس اگر میخواست اعتبار پیدا کند در مقابل خامنه ای میبایستاد که این کار هم از دست این نمایندگان ارتجاعی که در مقابل دریافت حکم بی اعتباری خود از خامنه ای به رهبرشان دست میزدند میگویند و تعظیم و تکریم میکنند، ساخته نبود. این بازی جدید برای آرام کردن جناح «اصلاح طلب» و جلوگیری از ژست خروج از «حاکمیت» آنهاست. حتی اگر لایحه «اصلاح قانون انتخابات» از سد شورای نگهبان بگذرد، دردی از جناح دو خرداد دوا نمیکند زیرا هم اکنون اکثریت مجلس اسلامی را در دست دارند ولی قادر به گذراندن هیچ لایحه ای و هیچ مصوبه ای برخلاف نظر جناح راست نیستند. این مجلس و نمایندگان اسلامی آن در درون خود «نظام» از اعتبار ساقط شده اند. این مجلس قبل از هر چیز حکم بی اعتباری خود را از حکم حکومتی خامنه ای که همواره در جیب اوست، دریافت کرده است.

لایحه «اختیارات رئیس جمهور» از اینهم مسخره تر و پوچ تر است. «اصلاح طلبان» و خاتمی، دولت، کابینه، قوه مقننه و ریاست جمهوری را در دست دارند و حتی نتوانستند اجازه

انتشار یک روزنامه را برای فلان همکار پاسدار خود هم تضمین کنند، نتوانستند حتی به بازداشت مشاور خاتمی و همکاران رژیم خود اعتراض کنند. مشکل خاتمی و سران دوم خرداد عدم اختیارات نبود، این را خود خاتمی و حضرات «اصلاح طلب» میدانند. مساله درافتادن با خامنه ای بوده است که اگر خامنه ای مخالفت کند چه میشد؟ اینها ناگزیر به این رویارویی کشیده شدند و در اولین رویارویی به حریف باختند. اینها پیروزی بر خامنه ای را پیروزی خود نمی دانستند و نمیدانند. میدانند که مردم کلیت رژیم را جارو خواهند کرد. به این جهت به شکست و خواری خود تن دادند. مانند در حاکمیت را با قبول خفت و خواری خود ترجیح دادند. بازی جدید «اختیارات رئیس جمهور»، تقاضای خاتمی برای دلخوش کردن سران «اصلاح طلب» و تلاش برای ماندن آنان در «حاکمیت» و ایجاد انسجام موقتی در بالای جمهوری اسلامی است. به این امید که از فریاد سرخوردگی قریب الوقوع جمهوری اسلامی جلوگیری کنند و برای آن وقت بخرند. هاشمی شاهرودی اختیارات رئیس جمهور را از هم اکنون به خاتمی دیکته کرده است. میگوید «برای ترویج دین و اخلاق و عدالت به برنامه های قاطع عملیاتی و اجرایی نیاز هست». از نظر وی اختیار بیشتر برای رئیس جمهور، اختیار برای سرکوب بیشتر مردم را معنی میدهد.

دور این عوام فریبی ها دیگر گذشته است. مردم با این ترندها آشنا هستند. اکنون نوبت ماست، دور دور ماست. روزهای بی تحولی در پیش است. جمهوری اسلامی وارد بحرانی ترین روزهای عمر ننگین خود شده است. پروژه دوم خرداد و جدلهای جناحی درون رژیم بقول منصور حکمت به همه نشان داد که با اسلام نمیشود اسلام را اصلاح کرد، با ارتجاع نمی شود بیجنگ ارتجاع رفت. برای رسیدن به آزادی جنبش آزادیخواهانه لازم است. این جنبش آزادیخواهانه و برابری طلبانه هم اکنون وجود دارد. حزب کمونیست کارگری ایران در کنار و همراه و پیشاپیش توده مردم سرنگونی طلب مبارزه برای سرنگونی جمهوری اسلامی را بعنوان گام اول برای رسیدن به آزادی و برابری کامل رهبری خواهد کرد. به حزب کمونیست کارگری ایران پیوندید. ■

مراسم بزرگداشت منصور حکمت

در کپنهاگ دانمارک

شنبه ۷ سپتامبر ساعت ۳ بعدازظهر

Norre ALLe Medborghus

Norre ALLe 7. 2200 Kbh. N.

تلفن تماس: ۵۱۶۰۳۱۲۱

لطفاً از آوردن کودکان زیر ۱۵ سال به مراسم خودداری ننمایید.

از صفحه ۱

پایان دادن به

تروریسم کماکان ...

گرفتن زیر پرچم «مبارزه با امپریالیسم» و یا دفاع از سیاست تروریستی آمریکا و ناتو به پهنانه «مبارزه با تروریسم اسلامی». جنبش آزادیخواه، سکولاریست و پیشرو باید خود را در مقابل کل این ارتجاع بین المللی قرار دهد. این وظیفه و سیاست جهان متمدنی است که با هیچ سوی این ارتجاع و تروریسم همخوانی ندارد. مردم در هر کجای دنیا باید قاطعانه از جنبشهایی حمایت کنند که فی الحال در مقابل تروریسم اسلامی و تروریسم آمریکا و ناتو صف آرائی کرده اند و پرچم حق و آزادی میلیونها مردم را برافراشته اند.

خیابانهای شهرهای اروپا و آمریکا و همه جای دنیا باید صحنه پرشور تظاهرات های بزرگ و هرروزه علیه جنبش فاشیستی اسلامی و حامیان غربی این جنبش باشد. باید مردم در ابعاد توده ای بخوابان بیایند و همانگونه که از مبارزه مردم آفریقای جنزیری علیه آپارتاید حمایت کردند، پرشور و قدرتمند از حقوق مردم، از آزادیهای سیاسی و مدنی مردم، از سکولاریسم، از جنبش برابری زن و مرد و از جریانات سوسیالیستی و کمونیستی در جوامع اسلام زده حمایت کنند.

علیه تروریسم دولتی آمریکا و ناتو، علیه تروریسم اسلامی، زند باد آزادی و برابری، این است شعار جنبش جهان متمدن علیه قطبهای تروریسم بین المللی. در سالروز ۱۱ سپتامبر به این اعتراض پیوندید.

تشکلات خارج کشور

احزاب کمونیست کارگری عراق و ایران
۵ سپتامبر ۲۰۰۱

حامیان جنبش ارتجاعی اسلامی از طالبان و حماس تا حکومت های اسلامی در ایران و پاکستان بوده اند. جنبشی که برای مقابله با آزادیخواهی کارگری و چپ به میدان آورده شد و امروز در جنگ قدرت سهم اقتصادی و سیاسی خود را مطالبه میکند. اگر آمریکا و دولتهای غربی چتر حمایت سیاسی و اقتصادی خویش را از این جریانات مرتجع و آدمکش بردارند، مردم به سرعت اینها را از صحنه سیاست جارو خواهند کرد. پایان دادن به تروریسم و جنگ طلبی، پایان دادن به بمباران مردم بی دفاع و محاصره اقتصادی میلیونها انسان محروم، پایان دادن به اشغال سرزمینهای دیگر و آپارتاید و کشتار هرروزه مردم، کار و امر جهان متمدن است. پایان دادن به سربریدن و دست و پا قطع کردن و سنگسار، خاتمه دادن به زن ستیزی و خفقان اسلامی کار انسانهای آزادیخواه، کار سوسیالیستها، جنبشهای کارگری و پیشرو و سکولار است.

مردم آزادیخواه جهان باید علیه کل این تحجر و ترور بین المللی و اردوگاههای آن به میدان بیایند. نه دفاع از وضع موجود جهان تحت عنوان «صلح مجاز است و نه قرار گرفتن در صف یکی از این اردوگاههای تروریستی. نه ادامه وضع موجود جهان خطر جنگ و ترور را منتفی میکند و نه در اردوگاه مرتجعین اسلامی قرار

شرکت کنندگان در کنفرانس بین المللی

سندیکالیستها از مبارزات کارگران

در ایران حمایت کردند!

کمونیست کارگری در این کنفرانس شرکت کردند و به معرفی حزب کمونیست کارگری و مبارزات کارگران در ایران پرداختند. ریتا آمیخ، کادر حزب، از تریبون رسمی این کنفرانس در مورد وضعیت

در روزهای ۲۹ اوت تا اول سپتامبر ۲۰۰۲ در شهر اسن آلمان کنفرانس بین المللی سندیکالیستها با شرکت ۳۰۰ نفر از کشورهای آلمان، آمریکا، فرانسه، ژاپن، روسیه، انگلیس و چند کشور دیگر برگزار شد. کادرهای حزب

کارگران ایران و اعتراضات آنها برای شرکت کنندگان در کنفرانس صحبت کرد و اطلاعات حزب در ارتباط با مبارزات کارگران در ایران را به آلمانی قرائت کرد که همزمان به زبانهای روسی، انگلیسی، فرانسه و اسپانیایی ترجمه میشد. قرائت اطلاعات حزب و فراخوان حمایت از مبارزات کارگران در ایران و دفاع از آزادی زندانیان سیاسی و محکومیت سیاست سرکوبگرانه و ضد کارگری جمهوری اسلامی مورد استقبال گرم شرکت کنندگان در کنفرانس قرار گرفت و تعداد زیادی از آنها از کشورهای مختلف نامهای حمایت از کارگران ایران را امضا کردند. ■

برگزاری مراسمهای بزرگداشت منصور حکمت در اروپا، کانادا و استرالیا

به دنبال برگزاری مراسم یادبود درگذشت بزرگترین مارکسیست معاصر، منصور حکمت (ژوین رازانی) عزیز، در شهر لندن مراسم های مختلفی به دعوت احزاب کمونیست کارگری ایران و عراق در کشورهای مختلف جهان با شرکت صدها تن از دوستداران منصور حکمت برگزار گردید.

در سالن های محل برگزاری مراسم، پوسترهایی بزرگی از منصور حکمت که با دسته هایی از گل تزئین شده بودند نصب شده بودند. زیر نویس این پوسترها جمله "دنیا بدون فراخوان سوسیالیسم، بدون امید سوسیالیسم، و بدون "خط" سوسیالیسم به چه متجالی بل میشود! آمده بود.

این مراسم ها با سرود انترناسیونال و یک دقیقه سکوت به یاد منصور حکمت شروع می شد و با نمایش اسلاید عکس از زندگی خصوصی و سیاسی منصور حکمت همراه با موزیک ادامه پیدا می کرد. در تمام این مراسم ها فیلم سخنرانی آذر ماجلی همسر و همزم منصور حکمت و عضو رهبری حزب کمونیست کارگری در

مراسم لندن به نمایش داده شد. سپس اعضای دفتر سیاسی احزاب کمونیست کارگری ایران و عراق به زبان های فارسی و عربی و کردی در مورد نقش و جایگاه منصور حکمت در جنبش کمونیسم کارگری، و خصوصیات عمیقاً انسانی و انقلابی منصور حکمت به سخنرانی پرداختند. بخش پایانی مراسم مربوط به پخش فیلم سخنرانی منصور حکمت عزیز در کنگره سوم حزب درباره اوضاع سیاسی ایران و موقعیت حزب کمونیست کارگری بود. در این سخنرانی منصور حکمت آنقدر زنده و روشن استدلال می کرد انگار زنده در میان جمعیت است و کمتر کسی از شرکت کنندگان احساس می کرد که منصور حکمت درگذشته است. شعارهای زنده باد منصور حکمت از طرف دوستداران وی فضا را فرا می گرفت. این مراسم ها در ۱۰ اوت در شهر استکهلم، ۱۱ اوت در شهرهای یوتبری و اسلو، در ۲۴ اوت در شهرهای کلن و تورنتو و اول سپتامبر در سیدنی برگزار شدند. سخنرانان مراسم در استکهلم آذر

مدرسی و رحمان حسین زاده اعضای دفتر سیاسی حزب کمونیست کارگری ایران، فارس محمود عضو دفتر سیاسی حزب کمونیست کارگری عراق، در کلن علی جوادی و صالح سرداری اعضای دفتر سیاسی حزب کمونیست کارگری ایران، طاهر حسن عضو دفتر سیاسی حزب کمونیست کارگری عراق، در تورنتو حمید تقوایی دبیر کمیته مرکزی حزب کمونیست کارگری ایران، در یوتبری مجید حسینی و مینا احدی اعضای دفتر سیاسی حزب کمونیست کارگری ایران و عبدالله محمود عضو دفتر سیاسی حزب کمونیست کارگری عراق و در سیدنی اسد حیلری کادر حزب کمونیست کارگری ایران و جلال محمد کادر حزب کمونیست کارگری عراق، در اسلو ایرج فرزاد و عبدالله دارابی اعضای دفتر سیاسی حزب کمونیست کارگری ایران و جمال محسن عضو کمیته مرکزی حزب کمونیست کارگری عراق بودند

مراسم ها با سرود انترناسیونال و شعارهای زنده باد منصور حکمت به پایان رسید. ■

گورستان خاوران محل تجمع اعتراضی مردم و ادای احترام به یاد جانباختگان قتل عام سال ۶۷ شد

صبح روز جمعه ۸ شهریورماه نزدیک به هزار نفر از اعضای خانواده ها و بستگان و آشنایان زندانیان سیاسی که در قتل عام خونین سال ۶۷ دسته جمعی در گورستان خاوران به خاک سپرده شده بودند، در این گورستان و برای گرامیداشت یاد این عزیزان گرد هم آمدند.

مردم که حتی از شهرستانهای دیگر نیز به این گورستان آمده بودند، برای ادای احترام به یاد هزاران انقلابی کمونیست، آزادیخواه و مبارز یک به یک به طرف گورهایی که حتی نام و نشانی نداشته و فقط با یک شماره بر سنگ قبرشان مشخص میشوند، گرد آمده و یک دقیقه سکوت کردند. در این تجمع اعتراضی خانواده های زندانیان سیاسی سال ۶۷ حقایق مربوط به کشتار زندانیان سیاسی توسط حکام جنایتکار اسلامی را بازگو کردند. در فاصله مراد تا شهریور سال ۶۷ سران

حکومت اسلامی از خمینی تا رئیس جمهور و دولت و مجلس اسلامی و روسا و شکنجه گران زندانهای تهران و مشهد و اصفهان و تبریز یکی از بزرگترین قساوتهای تاریخ بشری را در حق زندانیان سیاسی و برای ارباب جامعه مرتکب شدند و پرده دیگری از وحشیگری حکومت کثیف اسلامی را به نمایش گذاشتند. هزاران زندانی سیاسی را اعدام کردند و در کامیونهای حمل گوشت به گورستانهای بی نام و نشان بردند. گورستان خاوران یکی از گورهای دسته جمعی زندانیان سیاسی در تهران است.

حزب کمونیست کارگری اقدام جسورانه و قاطع مردم در برگزاری تجمع در گورستان خاوران را تقدیر میکند. آرزو که درهای زندانها به وسیله مردمی که خشم و نفرت از حکومت اسلامی را سالهاست در سینه خود انباشت کرده اند، گشوده

شود، وقتی که پرونده این جنایتکاران به طور علنی و با جزئیات رو شود، وقتی که در دادگاههای انقلابی مردم در انتظار مردم دنیا، خامنه ای و رفسنجانی و خاتمی و همه عوامل ریز و درشت این حکومت داستان برپایی حکومتشان را بر تلی از اجساد نسل جوان و کمونیست، انقلابی و آزادیخواه را شرح دهند، میلیونها نفر از مردم به سوی خاورانها سرازیر میشوند و دنیا در احترام به مبارزه مردم ایران و در گرامیداشت بیش از صد هزار نفر جانباختگان این مبارزه سکوت خواهد کرد.

حزب کمونیست کارگری همه مردم آزادیخواه را به تشدید مبارزه برای سرنگونی جمهوری اسلامی، برای برقراری آزادی و برابری فرا میخواند.

حزب کمونیست کارگری ایران

۳۱ اوت ۲۰۰۲-۹ شهریور ۱۳۸۱

نامه اعتراضی به مسئولین بی بی سی

از کاظم نیکخواه دبیر واحد بریتانیا
تشکیلات خارج حزب کمونیست کارگری ایران

در هفته گذشته دو رویداد جداگانه آشکارا به هزاران نفر از مردمی که شاهد این رویدادها بودند نشان داد که رادیو و بنگاه بی بی سی با آنکه خود را بی طرف اعلام کرده، عملاً یک دستگاه تحریف خبری و سانسور حقایق است. این واقعیت متأسفانه روال روزمره کار بی بی سی و ویژه بخش فارسی آن است و بطور مشخص مردم ایران با تجربه نقش فعال بی بی سی در به قدرت کشاندن خمینی و حکومت اسلامی میدانند که برای دست یافتن به آزادی و زندگی ای بهتر از آنچه امروز اسیر آن هستند باید ژورنالیسم مأمور را نیز زیر ضرب میارزه و افشاسازی خویش قرار دهند و آنرا خنثی نمایند. به این دو رویداد اشاره میکنم:

در روز شنبه ۳۱ اوت به فراخوان حزب کمونیست کارگری ایران _ واحد انگلستان تظاهراتی بر علیه حضور مهاجرانی در لندن، در برابر "کانون" توجید برگزار شد. در این تظاهرات دهها تن شرکت داشتند و بر علیه جمهوری اسلامی و حضور دست اندرکارانش در خارج کشور شعار دادند و سخنرانی کردند. شماری از ساکنین محل نیز با شنیدن سخنان تظاهر کنندگان در این اعتراض شرکت کردند و خواهان بسته شدن این کانون شدند. شمار شرکت کنندگان در این تظاهرات آشکارا از تعداد شرکت کنندگان در سخنرانی مهاجرانی بیشتر بود. گزارشگر بخش فارسی رادیو بی بی سی "صادق صبا" در گزارش مفصلی که از این سخنرانی پخش نمود تنها اشاره ای یک جمله ای به این تظاهرات کرد و در آن نیز ذکری از نام حزب کمونیست کارگری که این تظاهرات را برگزار کرده بود به میان نیاورد.

کتر از یک هفته پیش از این، در روز یکشنبه ۲۵ اوت تظاهرات دیگری بر علیه سازمان افراطی-اسلامی "المهاجرین" در میدان ترافالگار لندن توسط احزاب کمونیست کارگری ایران و عراق برگزار شد. در آن تظاهرات هزاران نفر بر گرد سخنرانان حزب کمونیست کارگری گرد آمدند، اعلامیه ها و نشریات دست بدست در همه جا میگشت، اسلاميون ناچار شدند قبل از موعد تعیین شده میدان را ترک کنند و خبرگزاریهای مختلفی از جمله تلویزیون الجزیره و دانمارک و بعضی روزنامه های سوئد و دانمارک و کشورهای دیگر از این تظاهرات فیلم و گزارش پخش کردند و از حزب

با احترام
کاظم نیکخواه
سوم سپتامبر ۲۰۰۲
تلفن تماس ۱۹ ۸۱ ۶۷۳ ۰۷۸۷
ای میل:
k.nikkhah@ukonline.co.uk

مرگ بر جمهوری اسلامی! زنده باد جمهوری سوسیالیستی!